

چگونه همسری پولدار پیدا کنید؟

■ **دی ولت:** کدام دختر مد بخت را می شناسید که رویایش ازدواج با یک مرد پولدار نباشد. هر دختری دوست دارد بهترین زندگی را داشته باشد و خیلی‌ها امیدوارند که پول شوهرشان از پارو بالا رود. از شناس خوب آنها آمار مردهای پولدار در حال افزایش است.

طبق آمار سازمان ثروت جهانی، تعداد میلیونرها نسبت به سال گذشته ۱۲ درصد رشد داشته و در چین این موضوع به خوبی مشهود است و ثروتمندان چینی در رده‌بندی جهانی بعد از آمریکا و ژاپن در رده سوم قرار دارند. خیلی از دختران می‌دانند که ازدواج با یک مرد پولدار کار ساده‌ای نیست و احتمالا همه داستان آن دختری را شنیده‌اند که هر روز بهترین لباسش را می‌پوشید و دم طلا فروشی‌ها می‌ایستاد تا شاهزاده رویاهایش را پیدا کند. با این همه قسمت او ازدواج با یک نویسنده معمولی بود.

این نکته را هر کسی قبول داشته باشد دختران چینی قبول ندارند و به همین دلیل به کلاس‌های دلربایی می‌روند. در این کلاس‌های ۳۰ساعته – که در پکن برگزار می‌شود- به آنها طرز برخورد با یک مرد ثروتمند یاد داده می‌شود. هزینه ثبت‌نام در این دوره آموزشی ۲۳۰۰ یورو است و دوشیزه‌های چینی طرز سرو چای و رسیدن به ظاهرشان و نهایتا برقراری مکالمه خوب با طرف‌شان را یاد می‌گیرند. شائو تانگ موسس این دوره آموزشی می‌گوید: «با این کار دختران را تشویق می‌کنیم که به بالاترین سطح‌شان برسند.» ضمنا در این کلاس‌ها به دختران طرز تشخیص آدم پولدار واقعی از کسی که تنها قصد دست انداختن زنان را دارد یاد داده می‌شود. تا امروز بیش از سه هزار زن چینی در این کلاس‌ها شرکت کرده‌اند. روزی ۱۳ساله یکی از این دختران بوده که می‌گوید: «خانواده من در بازار هستند و گاهی اوقات شرایط زندگی باب میل ما نیست. بنابراین با خودم فکر کردم اگر با یک آدم پولدار ازدواج کنم دیگر نگران به وجود آمدن مشکل مالی نخواهم بود.» خبر خوب برای امثال ژو این است که پیدا کردن یک شریک زندگی مناسب تنها مشکل زنان نیست و مردان هم دوست دارند با کسی زیر یک سقف بروند که از هر نظر بهشان بخورد.

آنها می‌توانند با پرداخت ۳۵۰۰ یورو این شناس دانه‌شان باشند که ضمن شرکت در کلاس‌ها، با دخترانی در سطح خودشان آشنا شوند. با اینکه مردان پولدار می‌دانند هدف اصلی دختران از شرکت در این کلاس‌ها پیدا کردن شریک زندگی ثروتمند است اما این موضوع مانعی جهت شکل‌گیری کانون گرم خانواده نشده و تاامروز بیش از ۳۰انسان خوشبخت نیمه گمشده زندگی‌شان را در این کلاس‌ها پیدا کرده‌اند. چین تنها کشوری نیست که در آن به دختران راه ازدواج با همسری پولدار یاد داده می‌شود، در مسکو و نیویورک هم از این دست کلاس‌ها وجود دارد.

استاد دانشگاه ۱۶ ساله

■ **ورلد کرائج:** «کمی نامنصفانه» این بهترین عبارتی است که کارینا لاهه در مورد تدریسش در دانشگاه علوم کاربردی بیرباخ به کار می‌برد. او مثل بسیاری از شاگردانش هنوز گواهینامه ندارد و به همین دلیل نمی‌تواند پشت رل بنشیند. او جوان‌ترین استاد دانشگاه در آلمان است. در محیط دانشگاه خیلی‌ها او را با دانشجو اشتباه می‌گیرند اما به عقیده‌اش این مسئله شاید به این دلیل باشد او کمی بزرگ‌تر از سنش به نظر می‌رسد. در واقع کارینا هنوز دانش آموز مدرسه است و هنوز یک‌سال و نیم تا پایان در‌سش باقیمانده. اولین روزی که لاهه به عنوان استاد سرر کلاس حاضر شد، جا برای سوزن انداختن نبود. بسیاری از دانشجویان ترم هفت بیوتکنولوژی دروسازی در کلاس حاضر بودند.

اما به جز آنها بسیاری از استادان دانشگاه هم خودشان را به یکی از اتاق‌های کنفرانس دانشگاه رسانده بودند تا با چشمان خودشان صحت حرف‌های پرفسور کریستل ماوونگو را در مورد لاهه بررسی کنند. ماوونگو، این دختر ۱۶ ساله در یک دانشمند ذاتی معرفی کرده بود که نعمتی برای جامعه دانشگاهی محسوب می‌شود. به گفته او، لاهه نه تنها از لحاظ علمی در سطح بسیار بالایی قرار دارد بلکه به خوبی می‌تواند کالاش را کنترل کند و با شیوه‌های نوین مطالب مورد نظرش را به دانشجویان انتقال دهد. لاهه در فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی استعداد قابل توجهی دارد و در کنار در‌سش پیانیست، ژیمناست و تنیسور قابلی محسوب می‌شود.

او تا امروز جایزه‌های زیادی در حوزه علم گرفته و اگر کسی در توانایی تدریس او شک دارد تنها باید از او در مورد نظریه‌های مربوط به طبیعت‌سنجی در فیزیک جويا شود. ورود لاهه به دنیای تدریس از روزی شروع شد که او به‌صورت تفریحی به دانشگاه بیرباخ رفته بود و متوجه شد یکی از دستگا‌ه‌های مربوط به فیزیک گوشه‌ای افتاده و خاک می‌خورد. جالب اینکه کمتر کسی توانایی کار با این دستگاه ۵۰۰هزار یورویی را داشت و لاهه بعد از مصاحبه با پرفسور ماوونگو کارش را در دانشگاه شروع کرد. لاهه علاقه زیادی به تدریس دارد اما هنوز درس تخصصی‌اش را انتخاب نکرده و فعلا می‌خواهد زیر نظر ماوونگو آموزش‌های لازم را فرا بگیرد تا از سطحی که قرار دارد، بالاتر رود.

سالمندان کره‌ای

و علاقه به آخرین تکنولوژی

پیامک می‌زنم جواب نمیدی!

ترجمه: ر امین طبرسی

کـــه در مراکز ارتباطی شهر برگزار می‌شود و در آن به صورت هفتگی به افراد سنن و سال‌دار طرز کار با آخرین تکنولوژی‌های روز یاد داده می‌شود. یکی از اپراتورهای تلفن همراه در کره شمالی که برگزارکننده این کلاس است در ۸۰ منطقه دوره‌های آموزشی کار با تلفن همراه دوست دارند به من برسند.» لی موبایل جدیدش را نوامبر ۲۰۱۰ خرید و خیلی کنجکاو بود که هرچه زودتر توی گوشی‌اش را دربیارد. شوهر ۶۴ساله او هم فوری دست به کار شد و برای خودش گوشی خرید؛ اتفاقی که به عقیده لی ناشی از حسادت همسرش نسبت به لذت بردن او از کار با گوشی جدیدش بوده است. در گوشه دیگری از کلاس چول دال سوی ۷۶ساله چندان راضی به نظر نمی‌رسد چرا که نمی‌تواند با گوشی لمسی‌اش به راحتی کار کند و مدام غرغ می‌کند. چول بیش از این یک موبایل ساده داشت که بعد از گم کردن آن خودش را به روز کرد و گوشی لمسی خرید تا به قول خودش از دبستان وارد دانشگاه شود. یکی از معلمان داوطلبی که با موسفیدها کار می‌کند، می‌گوید: «وقتی با مادر بزرگم زندگی می‌کردم متوجه شدم که او و هم‌سن و سالش علاقه زیادی برای یادگیری آخرین تکنولوژی‌ها دارند. به‌نظم تکنولوژی تنها مدل گوشی‌ها را یاد می‌دادند. داوطلبی که به لی کیونگ

دنیاگردی



کمک می‌کرد جای نوه او بود. لی سدام ۲۲ساله می‌گوید که پارتنرش هوش زیادی در یادگیری دارد: «صلا باورم نمی‌شد که او اینقدر زود بتواند همه چیز را یاد بگیرد.» خودش لی هم طبیعتا از شرایطی که در کلاس دارد راضی است: «من یکی از شاگرد رنگ‌های کلاس هستم و بقیه دوست دارند به من برسند.» لی موبایل جدیدش را نوامبر ۲۰۱۰ خرید و خیلی کنجکاو بود که هرچه زودتر توی گوشی‌اش را دربیارد. شوهر ۶۴ساله او هم فوری دست به کار شد و برای خودش گوشی خرید؛ اتفاقی که به عقیده لی ناشی از حسادت همسرش نسبت به لذت بردن او از کار با گوشی جدیدش بوده است. در گوشه دیگری از کلاس چول دال سوی ۷۶ساله چندان راضی به نظر نمی‌رسد چرا که نمی‌تواند با گوشی لمسی‌اش به راحتی کار کند و مدام غرغ می‌کند. چول بیش از این یک موبایل ساده داشت که بعد از گم کردن آن خودش را به روز کرد و گوشی لمسی خرید تا به قول خودش از دبستان وارد دانشگاه شود. یکی از معلمان داوطلبی که با موسفیدها کار می‌کند، می‌گوید: «وقتی با مادر بزرگم زندگی می‌کردم متوجه شدم که او و هم‌سن و سالش علاقه زیادی برای یادگیری آخرین تکنولوژی‌ها دارند. به‌نظم تکنولوژی تنها

میهمانی‌های خانوادگی برای کاهش جرم

حاضر به قبول هیچ واقعییتی نیستند و با بدبینی به جلسه نگاه می‌کنند نهایتا جایی که امکان دارد خودشان را در گیر ماجرا می‌کنند. اکثرشان هم عقیده دارند که تمام خواسته‌های بچه‌شان را فراهم کرده‌اند و نمی‌دانند که چرا او به سمت خلاف کشیده شده و احتمالا همه چیز زیر سر رفیق ناباب است.» با اینکه والدین در جریان ریز باز جویی‌ها قرار دارند و بارها مجبور شده‌اند به اداره پلیس بروند اما به گفته مقامات پلیس بسیاری از آنها به علت نحوه روبه‌رو شدن با دسته گل پسران‌شان، زیاد ماجرا را جدی نمی‌گیرند و فکر می‌کنند که هیچ اتفاق خاصی رخ نداده. مارتین نیدرر که استاد هنرهای رزمی است در بعضی پرونده‌ها از توانایی‌اش برای آگاه کردن والدین از کاری که پسرشان انجام داده، استفاده کرده و برای آنها بازسازی می‌کند. او عقیده دارد با این کار خانواده‌ها بهتر متوجه خلاف بچه‌شان می‌شوند: «خیلی جاها حضور برادر یا خواهر بزرگ‌تر مجرم در جلسه به سود ماست، چرا که آنها بهتر از پدر و مادران‌شان وضعیت را درک می‌کنند و راحت‌تر با برادرشان صحبت خواهند کرد.» به گفته نیدرر کاری که او شروع کرده با استقبال خوب خانواده‌ها مواجه شده و بارها این موضوع پیش آمده که والدینی که از هم طلاق گرفته‌اند به علت این جمع دوستانه برای چند ساعت هم که شده زیر یک سقف دور هم جمع می‌شوند. جالب اینکه دو میهمان ویژه خانواده‌های مجرمان در طول مدت حضورشان در خانه میزان سعی می‌کنند بیشتر شنونده باشند و طرف‌شان را سوال پیچ نمی‌کنند. این موضوع باعث شده که خانواده‌ها با اشتیاق از آنها استقبال کنند، چرا که نمی‌گویند، اما وقتی میهمان ناخوانده وارد خانه‌شان می‌شود آنها مجبور می‌شوند تمام داستان را توضیح دهند و آن‌وقت قیافه پدر و مادر بیچاره حسایی دینتی می‌شود. نیدرر می‌گوید: «بعد از پایان حرف بچه‌ها تغییر قیافه والدین‌شان کاملا مشخص است. آنها که در ابتدا



وقتی پیش‌بینی آب و هوا جرم محسوب می‌شود

■ **دیلی‌میل:** کارشناسان پیش‌بینی‌کننده وضعیت آب و هوا در آفریقای جنوبی از این به بعد باید در کارشان نهایت دقت را داشته باشند تا یک وقت در پیش‌بینی‌هایشان سوتی ندهند وگرنه زندان انتظار آنها را می‌کشد. به تازگی به کارشناسان مستقل این حوزه هشدار داده شده که اگر بدون اجازه مقامات مسئول، اطلاعات آب و هوایی را اشتباه به گوش مردم برسانند یا ۸۰۰ هزار پوند جریمه می‌شوند یا اینکه حداکثر ۱۰ سال زندانی خواهند شد. دلیل این تهدید عجیب، قانونی است که به خاطر تأثیرات مخرب پیش‌بینی‌های اشتباه آب و هوا روی وضع اقتصادی و اجتماعی مردم وضع شده. بارها پیش آمده که یک پیش‌بینی اشتباه در مورد احتمال سیل یا توفان در کنار ترساندن مردم، بازار را هم حسایی به هم ریخته. براساس این قانون آن دسته از کارشناسانی که می‌خواهند وضعیت جوی بد را به مردم اطلاع دهند باید از سازمان هواشناسی آفریقا مجوز کتبی داشته باشند و اگر کسی این قانون را زیر سوال ببرد برای بار اول پنج سالی در زندان خواهد بود یا اینکه ۴۰۰ هزار پوند جریمه می‌شود و در صورتی که اشتباه خود را تکرار کند جریمه بیشتری انتظارش را می‌کشد. قانون جنجالی کنگره ملی آفریقا واکنش حزب اتحاد دموکرات این کشور را در پی داشته. گرت مورگان سخنگوی این حزب قانون جدید را قانون بی‌رحمانه‌ای دانسته که تنها باعث خوشحالی مقامات سازمان هواشناسی آفریقا می‌شود. به گفته او با وضع این قانون کارشناسان نمی‌توانند قبل از داشتن مجوز کتبی به مردم در مورد تغییرات آب و هوا هشدار دهند هرچند مقامات سازمان هواشناسی از تصمیم‌شان دفاع و آن را اقدامی در جهت رفاه حال شهروندان ارزیابی کرده‌اند. آفریقای جنوبی کشوری است که به دلیل موقعیت جغرافیایی‌اش در معرض انواع تغییرات عجیب آب و هوا قرار دارد.

خانواده آتش‌نشان‌ها

■ **دیلی‌میل:** یکی از شهرهای ایالت اسکس بخشی از ایمنی خود را مدیون یک خانواده آتش‌نشان است که از ۵۰ سال قبل تا به امروز در مرکز آتش‌نشانی این شهر خدمت کرده‌اند. پل کورتیس ۳۹ ساله سومین نسل خاندانش است که در ایستگاه سافرون والدن کار می‌کند و ۹ نفر از اعضای خانواده‌اش هم همکار او هستند. به عقیده پل کار کردن با افراد فامیل اصلا کار راحتی نیست و اتفاقا استرس بیشتری دارد: «وقتی با یک نفر از اعضای خانواده‌ات به جنگ آتش می‌روی باید حواست به سلامت آنها هم باشد و این کارت را سخت‌تر می‌کند نکته دیگر اینکه ما در شهر کوچکی زندگی می‌کنیم و هر کدام از اعضای تیم ممکن است



کسانی را که اسیر حادثه شده‌اند بشناسند که روی کارشان تأثیر می‌گذارد «البته حضور افراد فامیل در خانواده این حسن را دارد که پل می‌تواند تجربیاتش را در اختیار سایرین قرار دهد و هر کدام از افراد به خوبی با شخصیت و گذشته یکدیگر آشنا هستند.» پل ادامه می‌دهد: «حضور در کنار یکدیگر ما را به هم نزدیک‌تر کرده و گروه خوبی تشکیل داده‌یم. امیدوارم پسران من هم آتش‌نشان شوند هرچند که آنها برای این کار خیلی جوان هستند.» پل کورتیس دنباله‌رو کار پدر و پدربزرگش بوده که از سال ۱۹۶۱ با عضویت در نیروی آتش‌نشانی این سنت را در خانواده‌اش باب کرد. او اقتدر در کارش خوب بود که دیگر روی یونیفرمش جای برای مدال افتخار نبود. طبیعت کار آتش‌نشان حضور در ماموریت‌های خطرناک است و پل هم از این قاعده مستثنا نبوده. او در یکی از ماموریت‌هایش به فرودگاهی نزدیک لندن اعزام شد تا جان مسافراتی را که داخل یک بوئینگ گیر افتاده بودند نجات دهد. او می‌گوید: «من به تاریخ خانوادگی‌ام افتخار می‌کنم. به پدر بزرگم، برادرش و کسانی که جان خود را برای نجات دیگران به خطر انداختند، آنها شایسته گرفتن لقب قهرمان هستند.» پل و خانواده‌اش ماموریت‌های خطرناک دیگری هم داشتند. یکبار در شش قوریه سال ۲۰۰۶ گروهی تروریستی یک بوئینگ ۷۷۷ را با ۱۵۶ مسافر ربودند و بعد از چهار روز گروگان‌گیری آنها را آزاد کردند. در تمام این مدت پل و سایر گروه در محل بودند تا در صورت به وجود آمدن هرگونه حادثه‌ای هرچه سریع‌تر وارد عمل شوند. دیو کورتیس پدر پل که ۳۴ سال مسئول ایستگاه آتش‌نشانی بوده می‌گوید: «وقتی آژیر خطر به صدا در می‌آید مهم نیست که در چه وضعیتی قرار داری. اگر آب هم درست هست باید زمین بگذاری تا به کمک مردم بروی. داشتن خانواده‌ای که تو را حمایت کنند یک دنیا اهمیت دارد.» روی‌ویسنست پدربزرگ پل – که در سال ۲۰۰۶ درگذشت- در سال ۱۹۶۱ به همراه برادرش وارد نیروی آتش‌نشانی شد. پدر پل در دهه ۷۰ با پای پدرش گذاشت و عمو و دایی پل هم در واسط و اواخر این دهه آتش‌نشان شدند. آلن استرات سرخاله پل در سال ۱۹۸۸ کارش را شروع کرد. پل و برادرش در اوایل دهه ۹۰ کلاه آتش‌نشانی را سرشان گذاشتند و سایمون کوریس پسر عموی آنها از سال ۱۹۹۶ سنت خانوادگی‌شان را ادامه داده است.